

اصطلاحنامه: ساختار و شکل

نوشته: احمد تندپور*

«اصطلاحنامه فرهنگی فارسی (اصفا)» است که در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است و دیگری «نظام مبادله اطلاعات (نما)».

درك طبيعت اطلاعات، سازماندهي و بازيابي آن و چگونگي استفاده افراد از آن مقولاتي است که فکر عالمان اطلاع‌رسانی را به خود مشغول کرده است. در این میان متخصصین رده‌بندی بیشتر به فکر سازماندهی اطلاعات هستند و عده‌ای از کتابداران در حوزه اشاعه اطلاعات کوشش می‌کنند.

در این مقاله با ابزاري آشنا می‌شوید که هم در حوزه سازماندهی و هم در حوزه اشاعه اطلاعات کاربرد دارد و متخصصین رده‌بندی را با فنون بیشتر برای سازماندهی اطلاعات و اشاعه‌گران اطلاعات را با اشاعه اطلاعات آشنا می‌کند.

اصطلاحنامه چیست؟

اصطلاحنامه مجموعه‌ای از واژگان کنترل شده و منظم است. واژگان کنترل شده زیرمجموعه‌ای از زبان اصلی است مشتمل بر اصطلاحات خاص. اما همانگونه که در تعریف بیان شد این واژگان کنترل شده هستند. کنترل واژگان با ایجاد روابط مختلف بین آنها انجام می‌گیرد که درباره آن توضیح داده خواهد شد.

هدف اصطلاحنامه ایجاد یکدستی در نمایه‌سازی اسناد و سهولت در کاوش اطلاعات می‌باشد. منظور از یکدستی ایجاد معیارهایی برای انتخاب واحد از بین چند انتخاب است.

وظیفه اصطلاحنامه تهیه نقاط دسترسی مؤثری است که از طریق آن نقاط موضوع موردنظر بازیابی می‌شود. بین هدف و وظیفه اصطلاحنامه رابطه نزدیکی وجود دارد؛ اصطلاحنامه زمانی می‌تواند به هدف خود برسد که وظیفه خود را به نحو مؤثر انجام دهد. در غیر این صورت وجود «نقاط مؤثر دسترسی» مفهومی نخواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: ساختار اصطلاحنامه / تاریخچه اصطلاحنامه / روابط اصطلاحنامه / نمایه‌سازی / کاوش / ویرایش اصطلاحنامه / مدیریت اصطلاحنامه / رسم‌الخط اصطلاحنامه

چکیده

ساختار اصطلاحنامه مشتمل بر تعریف اصطلاحنامه، تعریف اصطلاحات، روابط معنایی، ویرایش و مدیریت اصطلاحنامه از بحث‌های اصلی این مقاله است. روابط معنایی از سه رابطه «هم‌ارز»، «سلسله مراتبی» و «مصادفی» (موردی) تشکیل شده است. بررسی مفصل این سه نوع رابطه بخش مهمی از متن را تشکیل می‌دهد. نیاز به ویرایش اصطلاحنامه و مدیریت تخصصی آن در اطلاع‌رسانی نوین امری اجتناب‌ناپذیر است. بررسی شکلی اصطلاحنامه از نظر دستوری و خطی و بیان پاره‌ای از قواعد ضروری بحث پایانی مقاله است.

مقدمه

پیترمارک روزه^۱ (۱۷۷۹-۱۸۱۹) فیزیکدان انگلیسی در سال ۱۸۵۲ واژه‌نامه‌ای تهیه کرد و آن را «اصطلاحنامه کلمات و عبارتهای انگلیسی»^۲ نامید. وی در این واژه‌نامه مترادفها و معادل‌های گفتار شفاهی لغات انگلیسی را به طور جامع طبقه‌بندی نموده بود.

آنچه را که روزه «اصطلاحنامه» نامید واقعاً یک اصطلاحنامه به مفهوم امروزی آن نبود. و از طرف دیگر صرفاً یک واژه‌نامه الفبایی نیز نبود، بلکه واژه‌نامه‌ای نظام‌یافته بود که براساس آن مترادفها طبقه‌بندی شده بود.

از اصطلاحنامه‌های زبان فارسی می‌توان «اصطلاحنامه توسعه فرهنگی آسیا» را نام برد که در سال ۱۳۵۷ منتشر شد. اصطلاحنامه‌هایی که در سال‌های اخیر به زبان فارسی منتشر شده‌اند یکی

* عضو هیئت‌علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

اصطلاح به کار ببرید به جای: ارجاع به اصطلاح نابرگزیده که با اصطلاح برگزیده مترادف است. (برای اطلاع از اصطلاح نابرگزیده) توصیفگرها: توصیفگرها اصطلاحاتی هستند که در اصطلاحنامه وجود دارند و مفاهیم را ارائه می‌دهند. توصیفگرها چه برگزیده باشند و چه نابرگزیده در ردیف الفبائی خود قرار می‌گیرند.

یادداشت دامنه

معمول‌ترین نوع راهنمایی برای به کار بردن اصطلاحات در اصطلاحنامه‌ها یادداشت دامنه است. اطلاعاتی که در یادداشت دامنه ارائه می‌شود باید هم برای نمایه‌سازان و هم برای کاوشگران مفید باشد. یادداشت دامنه چند وظیفه مهم را به عهده دارد.

۱. شرح دامنه يك اصطلاح: یادداشت دامنه حوزه و وسعت کاربرد اصطلاح موردنظر را باید بیان نماید. این تحدید ممکن است در دامنه اصطلاح باشد و یا خارج از دامنه اصطلاح. برای مثال:

احزاب

ی.د. فقط احزاب سیاسی

که از نوع اول است و محدودیت استفاده از توصیفگر را با محدود کردن دامنه اصطلاح بیان نموده است.

بازیابی اطلاعات

ی.د. روش‌های دستی را شامل نمی‌شود.

که از نوع دوم است و محدودیت استفاده از توصیفگر «بازیابی اطلاعات» را با اشاره به مفهومی که از دامنه موضوع خارج است، بیان نموده است.

۲. از بین بردن شك و ابهام در مفهوم يك اصطلاح: در صورتی که مفهوم اصطلاح به کار برده شده متضمن شك و ابهام باشد برای از بین بردن آن از یادداشت دامنه استفاده می‌شود. برای مثال:

نوزادان

ی.د. کودکان تا سن ۷ هفته.

۳. ارائه تعریف. یادداشت دامنه ممکن است برای بیان مفهوم دربرگیرنده يك اصطلاح، آنرا تعریف کند. به عبارت دیگر يك اصطلاح در اصطلاحنامه باید به يك مفهوم مفرد اشاره داشته باشد. برای مثال:

اصطلاحنامه وسیله‌ای اساسی است برای نمایه‌ساز که در هنگام نمایه‌سازی در دسترس اوست. نمایه‌ساز برای انتخاب واژه‌های کلیدی مدارکی که نمایه‌سازی می‌کند باید اصولی را رعایت کند که این اصول فقط با وجود ابزار کار یعنی اصطلاحنامه رعایت می‌شود. آیا جستجوگر قادر نخواهد بود موضوع جستجو را با ترکیب اصطلاحاتی که نمایه‌ساز انتخاب کرده است، پیدا کند؟ آیا اصطلاح انتخاب شده دارای جامعیت و مانعیت کافی است؟ آیا اصطلاح انتخاب شده تأکید کننده موضوع مدرک می‌باشد؟ رعایت این اصول و سایر اصول نمایه‌سازی منوط به وجود ابزاری مناسب می‌باشد که همان اصطلاحنامه است.

همچنین اصطلاحنامه يك ابزار اساسی است برای بازیابی اطلاعات. کاوشگر برای رسیدن به موضوع مورد کاوش خود نیز باید قواعدی را به کار ببرد. جستجوی نظام‌یافته مسلماً دسترسی سریع و صحیحی را به مدارك موردنیاز به وجود خواهد آورد. اصطلاحنامه به کاوشگر كمك می‌کند تا بتواند صحیح‌ترین اصطلاح را برای بازیابی مدارك موردنیاز خود به کار ببرد تا گرفتار جامعیت و مانعیت ناخواسته نشود.

ساختار اصطلاحنامه

آشنایی با اصطلاحات

توصیفگر^۳: اصطلاح ارائه دهنده مفاهیم

اصطلاح برگزیده^۴: اصطلاح انتخاب شده برای بیان موضوع

اصطلاح نابرگزیده^۵: اصطلاح انتخاب نشده

یادداشت دامنه^۶: تعریف، توضیح و یا توصیف اصطلاح

اصطلاح اعم^۷: اصطلاح عام‌تر

اصطلاح اخص^۸: اصطلاح خاص‌تر

اصطلاح وابسته^۹: اصطلاحی که به اصطلاح برگزیده به نوعی ارتباط دارد

اصطلاح به کار ببرید: ارجاع از اصطلاح نابرگزیده به برگزیده

اطلاع‌رسانی

ی.د. جمع‌آوری، سازماندهی، بازیابی و اشاعه اطلاعات

اما یادداشت دامنه زیر که دربرگیرنده تعریف اصطلاح «فهرست‌نویسی» است صحیح نیست زیرا دو معنای متفاوت از «فهرست‌نویسی» ارائه داده است.

فهرست‌نویسی

ی.د. توصیف مشخصات فیزیکی و تحلیل محتوای کتاب؛ بیان مشخصات کتاب در قالب کلمات کلیدی.

هدف یادداشت دامنه از تعریف يك اصطلاح آگاهی‌بخشی است. بنابراین ارائه يك تعریف ساده با تکرار خود اصطلاح برای مدخل نامفهوم مفید نخواهد بود.

۴. یادداشت دامنه ممکن است دستورالعمل‌های اضافی به نمایه‌سازان بدهد و سایر انواع اصطلاحاتی را که می‌توانند تخصیص دهند، یادآوری کند. برای مثال:

آماده‌سازی

ی.د. در صورت امکان برای آماده‌سازی مواد و منابع خاص اصطلاحات دیگری را به کار ببرید این یادداشت دامنه به نمایه‌ساز پیشنهاد می‌دهد که در صورتی که ماده خاصی را آماده‌سازی می‌کند، اصطلاح خاص آن نوع آماده‌سازی را به کار برد. برای مثال؛ «مونتاز».

از آنجا که یادداشت دامنه وظیفه مهم آگاهی‌بخشی به نمایه‌ساز و یا کاوشگر را دارد باید به خوبی شکل داده شود. عاری از غلط‌های املایی باشد، دستور زبان و خط کاملاً در آن رعایت شود و حتی‌الامکان از عبارتهای اسمی استفاده گردد. برای مثال:

نمایه‌سازی

ی.د. اختصاص دادن اصطلاحات زبان طبیعی به اسناد این یادداشت دامنه از عبارت فعلی استفاده کرده است که بهتر است از عبارت اسمی استفاده گردد و در نتیجه یادداشت دامنه به صورت زیر تغییر می‌کند.

نمایه‌سازی

ی.د. تخصیص اصطلاحات زبان طبیعی به اسناد

ادامه بررسی ساختار اصطلاحنامه را ضمن بیان روابط در اصطلاحنامه دنبال می‌کنیم.

روابط در اصطلاحنامه

اصطلاحنامه با وجود روابط معین بین اصطلاحات است که معنا پیدا می‌کند و می‌تواند به هدف خود برسد و وظایف خود را انجام دهد. در واقع مهمترین مبحث در اصطلاحنامه‌ها مشخص بودن روابط دقیق و تعریف شده بین اصطلاحات است. باید تمام روابط منطقی و مرتبط با اصطلاح را در اصطلاحنامه به کار برد. اصطلاح ممکن است فقط دارای يك ارجاع باشد. برای مثال:

تعلیم و تربیت

بك آموزش و پرورش

و یا ممکن است بیشتر از يك ارجاع داشته باشد. برای مثال:

پزشکی

بج طب

ا.ع. علوم عملی

ا.خ. پزشکی کودکان

ا.و. روانشناسی

روابط در اصطلاحنامه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. روابط هم‌ارز^۱

۲. روابط سلسله‌مراتبی^{۱۱}

۳. روابط مصداقی^{۱۲}

هر کدام از این سه رابطه به نوبه خود به روابط فرعی تقسیم می‌شود.

۱. روابط هم‌ارز

روابطی هستند که بین اصطلاحات مترادف و یا شبه‌مترادف برقرار می‌شود. این روابط همچنین بین اصطلاحاتی که هم‌ارز تعریف شده‌اند برقرار است. نشانه رسمی بین دو اصطلاح هم‌ارز «بك» و «بج» است. برای مثال:

تعلیم و تربیت

بك آموزش و پرورش

آموزش و پرورش

بج تعليم و تربيت

جدول شماره ۱. اختصارات فارسي و معادل لاتين آن را نشان داده است.

جدول شماره ۱. اختصارات فارسي و معادل

لاتين آنها

فارسي	لاتين	اصطلاح فارسي	اصطلاح لاتين
ي.د.	S.N.	يادداشت دامنه	Scope Note
بك	Use	به كار ببريد	Use
بج	U.F.	به كار ببريد به جاي	Use For
ا.ع.	B.T.	اصطلاح اعم	Browder term
ا.خ.	N.T.	اصطلاح اخص	Narower term
ا.و.	R.T.	اصطلاح وابسته	related term

روابط همارز روابطي دوسويه است. كه بين دو اصطلاح برگزيده و نابرگزيده برقرار مي باشد. به اين معنا كه وقتي بين اصطلاح نابرگزيده و اصطلاح برگزيده از طريق «بك» رابطه برقرار مي شود لازم است كه بين همان اصطلاح برگزيده و نابرگزيده از طريق «بج» نيز رابطه برقرار گردد و بتوان به هر دو اصطلاح در رديف الفبايي خود دسترسي داشت.

اصطلاحات مترادف^{۱۲} اصطلاحاتي هستند كه در قالب املايي متفاوت، معنای يكساني را ارائه مي دهند، مانند پزشك و طبيب؛ رده بندي و طبقه بندي. اصطلاحات مترادف هرچند از نظر املايي با يكديگر متفاوتند اما به يك مفهوم اشاره مي كنند كه از ميان آنها يكي به عنوان اصطلاح برگزيده انتخاب مي شود.

اصطلاح مترادف در قالب هاي متفاوتي قرار مي گيرد. از جمله:

- يك كلمه كه چند املاء دارد. مانند: تهران و طهران.

- دو كلمه كه با املايي متفاوت داراي معني يكسان هستند. اينگونه مترادفها ممكن است مشتق از يك زبان طبيعي باشند مانند پژواك صوت و بازتاب صورت و يا ممكن است مشتق از دو زبان طبيعي باشند مانند نمابر و فاكس، هواپيما و طياره

- نامهاي عام و نامهاي علمي مانند نمك و هيدرات سدیم
اصطلاحات شبه مترادف^{۱۴} به چند دسته تقسيم مي شود.

۱. اصطلاحاتي كه همپوشاني معنایي دارند مانند تيزهوش و زيرك.

۲. اصطلاحاتي كه يكي ديگري را دربرمي گيرد مانند فلز و استيل.

۳. اصطلاحاتي كه هرچند داراي معنای متضاد هستند اما به عنوان دو اصطلاح همارز محسوب مي شوند. زيرا مفهوم موجود در يكي همارز با پرسش ها براي ديگري است. مانند خوردگي و ضد خوردگي.

۴. اصطلاح اسمي و فعلي. مانند فهرست نويسي و فهرست نويسي كردن.

انتخاب يك اصطلاح برگزيده از بين دو يا چند مترادف بستگي به نوع، هدف، وظيفه و کاربرد اصطلاحنامه دارد. آيا اصطلاحنامه علمي است يا عمومي؟ آيا اصطلاحنامه حوزه خاصي از يك رشته علمي را دربر مي گيرد و يا نسبت به آن رشته علمي عام است؟ براي مثال: اصطلاحنامه پزشكي و يا حوزه خاصي از پزشكي مثلاً دندانپزشكي.

از آنجا كه يكي از مهمترين روش هاي كنترل واژگان در يك اصطلاحنامه استفاده از اصطلاحات برگزيده است، در انتخاب آنها دقت لازم بايد اعمال شود. در اينجا بعضي از اصول انتخاب اصطلاح برگزيده از ميان چند مترادف بيان مي شود.

۱. کاربرد^{۱۵}. مثال: رده بندي بجاي رده بندي كردن
۲. وسعت^{۱۶}. مثال: پلاستيك ها بجاي پولي اتيلن
۳. عدم ابهام^{۱۷}. مثال: هواپيماي ملي ايران بجاي هما (هما ممكن است براي مفاهيم ديگري به كار رود)
۴. نزديكي^{۱۸}. مثال: ايستگاه راه آهن بجاي ايستگاه قطار
۵. اجمال^{۱۹} (به كاربردن يك كلمه بجاي دو يا چند كلمه). مثال: يونسكو بجاي «سازمان علمي- فرهنگي ملل متحد»

نکته‌اي که در به کار بردن اصطلاح اخص مهم است این است که اصطلاح اخص باید حالت خاصي از اصطلاح اعم باشد و قادر باشد خصوصيات اصطلاح اعم را به ارث ببرد. براي مثال درست نیست که «اتوبوس‌ها» را مانند يك اصطلاح اخص تحت اصطلاح «وسایل نقلیه دیزلي» آورد؛ هرچند بعضي از اتوبوس‌ها دیزلي هستند.

براي نشان دادن رابطه اعم و اخص بين اصطلاحات از اختصارات «ا.ع» به معنای «اصطلاح عام‌تر» و «ا.خ» به معنای «اصطلاح اخص‌تر» استفاده مي‌کنیم. براي مثال:

پرندهگان

ا.خ. عقاب

پرستو

قناري

و

عقاب

ا.ع. پرندهگان

قناري

ا.ع. پرندهگان

که هرکدام در ردیف الفبایي خود قرار مي‌گیرد.

ارتباط بين «ا.ع.» و «ا.خ.» يك رابطه معکوس است. به عبارت دیگر اگر «الف» اصطلاح اعم «ب» باشد، پس «ب» اصطلاح اخص «الف» است. يعني

الف

ا.خ. ب

و

ب

ا.ع. الف

براي مثال:

نوشت‌افزار

ا.خ. مدادها

و در اینجا کاوشگر انتظار دارد که مدخل زیر را نیز در اصطلاحنامه بیابد:

مدادها

ا.ع. نوشت‌افزار

۶. جمع اصطلاحات قابل شمارش. مثال: کتابها بجای کتاب

۷. وحد داخلی^{۲۰}. یکدستی و پیوستگی در انتخاب و کاربرد قواعد در اصطلاحنامه. براي مثال در جمع کلمات

۸. وحدت خارجی^{۲۱}. هماهنگی با سایر اصطلاحنامه‌ها

گفتیم که رابطه بين اصطلاح برگزیده و ناب‌گزیده يك رابطه دوسويه است. يعني زماني که اصطلاح برگزیده را با اختصار «بج» بجای يك اصطلاح ناب‌گزیده به کار مي‌بریم. از طرف دیگر اصطلاح ناب‌گزیده را نیز با اختصار «بك» به اصطلاح برگزیده مرتبط مي‌کنیم. این رابطه دوسويه را از این جهت در اصطلاحنامه به کار مي‌بریم تا به کاربر کمک کنیم تا اصطلاح برگزیده مناسب را پیدا کند و از طرف دیگر دامنه اصطلاح برگزیده را تشخیص دهد.

۲. روابط سلسله مراتبي^{۲۲}

روابطي است که بين دو اصطلاح برقرار مي‌گردد تا عام‌تر یا خاص‌تر بودن آن دو اصطلاح را نسبت به یکدیگر مشخص کند. به کاربردن رابطه سلسله مراتبي از این جهت اهمیت دارد که چنانچه در يك موضوع اصطلاحات متعددي داشته باشیم و تمام آن اصطلاحات را با يك اصطلاح برگزیده بیان کنیم، آن اصطلاح برگزیده دربرگیرنده فهرست بزرگی از آن موضوع خواهد بود و چنین اصطلاح برگزیده‌اي براي کاوش مناسب و مفید نیست. بنابراین براي بیان موضوعات تحت پوشش موضوع اصلي باید از اصطلاحات خاص‌تری سود برد. در این حالت از ارجاع سلسله مراتبي عام و خاص استفاده مي‌کنیم. براي مثال پرندهگان زیرمجموعه بزرگی را دربر دارد و چنانچه بخواهیم تمام آن زیرمجموعه را تحت اصطلاح برگزیده پرندهگان وارد کنیم در هنگام جستجوی پرندهگان خاص مثل عقاب، گنجشک، پرستو جستجوی ما از جامعیت زیادی برخوردار است که جوابگو نخواهد بود. بنابراین براي مفید بودن کاوش براي کاوشگر از اصطلاحات برگزیده خاص‌تر استفاده مي‌کنیم.

«فیل» و «حیوانات عظیم‌الجثه» رابطه جنس و نوع می‌باشد.

۲. رابطه کل و جزء

در این رابطه جزء قسمتی از کل است. اصطلاح «الف» نسبت به اصطلاح «ب» کل است (و برعکس) در صورتی که عناصر مشتمل در «ب» جزئی از «الف» باشد. برای مثال: «چشم» جزئی از «سر» است.

در این نوع رابطه نیز اصطلاح جزء باید در زیرمجموعه اصطلاح کل قرار گیرد (شکل ۱). بنابراین اصطلاح «جنگل‌ها» اصطلاح کلی «درخت‌ها» نیست. زیرا هر درختی جزئی از جنگل نیست. برای تشخیص این مطلب که آیا رابطه سلسله مراتبی بین دو اصطلاح رابطه کل و جزء است یا نه از پرسش آیا ... بخشی از ... است؟ استفاده می‌کنیم. برای مثال:

آیا بینی بخشی از سر است؟

آیا انگشت بخشی از دست است؟

چنانچه جواب به این سؤال مثبت باشد رابطه بین دو اصطلاح رابطه کل و جزء است. رابطه کل و جزء تنها مرتبط با اعضای بدن نیست، بلکه حوزه‌های دیگر را نیز دربر می‌گیرد. از جمله مناطق جغرافیایی. برای مثال ایران جزئی از خاورمیانه است و خاورمیانه کلی ایران است.

ایران

ا.ع. خاورمیانه

و

خاورمیانه

ا.خ. ایران

اما از طرف دیگر ایران اصطلاح عام‌تر دریای کاسپین نیست. زیرا تنها بخشی از دریای کاسپین جزء ایران است.

۳. روابط مصداقی (موردی)

در این رابطه اصطلاح خاص مصداقی و موردی از عام است. برای مثال:

کوهها

ا.خ. کوه الوند

سه نوع رابطه سلسله مراتبی وجود دارد که عبارت است از:

۱. رابطه و جنس و نوع^{۲۳}

۲. رابطه کل و جزء^{۲۴}

۳. رابطه مصداقی (موردی)^{۲۵}

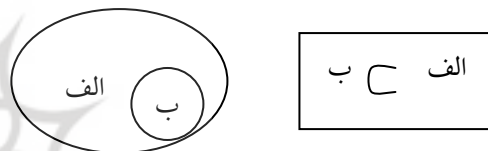
۱. رابطه جنس و نوع

این رابطه میان يك جنس و انواع آن به کار برده می‌شود. برای مثال:

گربه‌سانان

ا.خ. ببرها

اصطلاح «الف» در صورتی نسبت به اصطلاح «ب» عام‌تر است (و برعکس) در صورتی که تمام عناصر مشتمل در «ب» در «الف» موجود باشد. به عبارت دیگر «ب» زیرمجموعه الف است. (شکل ۱)



شکل شماره ۱

در مثال بالا تمام ببرها زیرمجموعه گربه‌سانان هستند و نه بعضی از آنها.

در بعضی از اصطلاحنامه‌ها رابطه سلسله مراتبی جنس و نوع را با علائم اختصاری «ا.ع.ج.» و «ا.خ.ج.» نشان می‌دهند. برای مثال:

خزندگان

ا.خ.ج. مارها

و

مارها

ا.ع.ج. خزندگان

برای تشخیص این مطلب که آیا رابطه سلسله مراتبی بین دو اصطلاح از نوع «جنس و نوع» است یا نه می‌توان سؤال «آیا ... است؟» را به صورت زیر آزمایش نمود:

آیا ... نوعی از ... است؟ برای مثال:

آیا فیل نوعی از حیوانات عظیم‌الجثه است؟ چنانچه جواب مثبت است رابطه سلسله مراتبی بین

نظر مفهومي وابسته به يكدیگرند. به اين معنا كه وقتي يكي از آن دو اصطلاح بيان مي‌شود، ديگري نيز به ياد آورده مي‌شود. براي مثال: زماني كه از «پرنندگان» صحبت مي‌شود اصطلاح «پرواز» نيز به ذهن ختور مي‌كند. و هر چند اصطلاح «پرواز» و «پرنندگان» هيچ گونه رابطه سلسله مراتبي و مصداقي با يكدیگر ندارند اما وابسته هستند. يعني:

پرنندگان

ا.و. پرواز

رابطه دو اصطلاح وابسته رابطه‌اي است دو جانبه. يعني اگر «الف» اصطلاح وابسته «ب» باشد، «ب» نيز اصطلاح وابسته «الف» است. براي مثال:

خوشنويسي

ا.و. مدادها

و

مدادها

ا.و. خوشنويسي

براي نشان دادن وابستگي بين دو اصطلاح از اختصار «ا.و.» يعني اصطلاح وابسته استفاده مي‌كنند.

تشخيص و تصميم در مورد اينكه رابطه وابستگي بين دو اصطلاح وجود دارد يا نه با آزمون زير مشخص مي‌شود: وقتي كه نمايه‌ساز يا كاوشگر اصطلاح «الف» را به كار مي‌برد آیا اصطلاح «ب» به ذهن وي ختور مي‌كند؟

چنانچه پاسخ به سئوال بالا مثبت بود رابطه وابستگي بين دو اصطلاح «الف» و «ب» وجود دارد. و چنانچه جواب منفي بود رابطه وابستگي بين دو اصطلاح «الف» و «ب» وجود ندارد.

مقوله‌هاي معنابي متعددي تحت پوشش وابستگي قرار مي‌گيرند. بعضي از اين مقوله‌ها عبارتند از:

۱. زمان. مثال: مطالعه در اوقات فراغت

ا.و. اوقات فراغت

۲. مكان. مثال: زبان‌هاي خارجي

ا.و. آزمون‌گاه‌هاي زبان

۳. محصول. مثال: كشتي‌سازي

در يك رابطه مصداقي كل تنها داراي جز است و نه بيشتر.

براي تشخيص اين مطلب كه آیا رابطه سلسله مراتبي دو اصطلاح از نوع مصداقي است يا نه از پرسش آیا مصداقي از ... است؟ استفاده مي‌كنيم. براي مثال:

آيا خيابان وليعصر مصداقي از خيابان‌ها است؟ چنانچه جواب به اين سئوال مثبت باشد رابطه سلسله مراتبي از نوع مصداقي است.

يك اصطلاح ممكن است داراي چندين اصطلاح اعم باشد و اين بدان معناست كه يك اصطلاحنامه ممكن است چند سلسله مراتبي^{۲۶} باشد. براي مثال:

روانشناسي اجتماعي

ا.ع. روانشناسي

جامعه شناسي

چند سلسله مراتبي متضمن دو برداشت است. يكي اينكه سلسله مراتب‌ها همه در يك سطح هستند ديگر اينكه سلسله مراتب‌ها در بيشتر از يك سطح قرار دارند. در مثال بالا و اصطلاح عامتر نسبت به يكدیگر در يك سطح قرار دارند. اما در مثال:

كبوترها

ا.ع. پرنندگان

جانوران

دو اصطلاح عام نسبت به يكدیگر در دو سطح قرار دارند.

تعيين يك سطحي بودن و يا چند سطحي بودن سلسله مراتب‌ها بستگي به ختمشي تهيه‌كنندگان اصطلاحنامه دارد.

در يك اصطلاحنامه ممكن است اصطلاحي وجود داشته باشد كه اصطلاح عام نداشته باشد. چنين اصطلاحي ارجاع «ا.ع.» ندارد. براي مثال اصطلاح «ورزش» در يك اصطلاحنامه ورزشي. به چنين اصطلاحي «اصطلاح راس^{۲۷}» گفته مي‌شود.

روابط وابسته

اين رابطه اصطلاحاتي را دربر مي‌گيرد كه همپوشاني معنابي دارند. اين اصطلاحات هيچ گونه رابطه سلسله مراتبي و موردی با يكدیگر ندارند، اما از

۱. کشتی‌ها

۴. علت. مثال: جنگ خلیج فارس

۱. نفت

۵. عامل. مثال: مریگری

۱. مربی

۶. وسیله. مثال: نقاشی

۱. قلم‌موها

۷. کاربرد. مثال: رایانه

۱. واژه‌پردازی

۸. مکمل. مثال: والدین

۱. فرزندان

دستور زبان و خط اصطلاحنامه

به دلیل اینکه هدف و منظور این مقوله آشنایی با ساختار اصطلاحنامه است و نه اصول تولید اصطلاحنامه لذا در این بخش از تفصیل کلام احتراز کرده و به قدر نیاز بحث می‌شود.

از نظر دستور زبان و دستور خط، اصطلاحات باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشد. این ویژگی‌ها از قواعد مدون شده هر زبان مشتق می‌شود. بیان کامل این قواعد خارج از بحث این مقاله است اما بعضی از این اصول که به طریق اولی آگاهی از آنها ضرورت دارد، بیان می‌شود.

تا آنجا که ممکن است توصیفگر باید اسم و یا عبارت اسمی باشد و از به کار برده شدن فعل و عبارت فعلی و صفت خودداری شده باشد. برای مثال «کشتی‌سازی» و نه «کشتی ساختن» یا «ریسندگی» و نه «ریسیدن»

توصیفگرهای قابل شمارش به صورت جمع به کار برده شده باشد. مثل: کتاب‌ها؛ عقاب‌ها.

اسم جمع را به صورت جمع به کار نبرده باشد.

مثل: انسان؛ گله و نه انسان‌ها و گله‌ها

فرآیندها، خواص و شرایط به صورت مفرد باشد. مثل: جلوگیری از حادثه، وزن، قدرت.

توصیفگرها به صورت مقلوب به کار برده نشده

باشد. برای مثال: «مدیریت دانشکده» و نه

«دانشکده، مدیریت»

برای بیان مفاهیم که با يك واژه قابل بیان نیست چگونه عمل شده است؟ مثلاً مفاهیم «موتورهای دیزلی»، «مدیریت کتابخانه»، «شترمرغ» اصطلاحات مرکبی هستند که برای بیان موضوعها به کار برده می‌شود. اصطلاح «مدیریت کتابخانه» را به همین صورت مرکب وارد اصطلاحنامه کنیم؟ و یا اینکه آن را به عوامل تشکیل‌دهنده آن یعنی «مدیریت» و «کتابخانه» تجزیه کنیم؟

از نظر دستور زبان فارسی از آنجا که کلمات مرکب مفاهیم جدیدی را مستقل از عوامل بسیط خود ایجاد می‌کنند باید به صورت ترکیبی به کار برده شوند. مثلاً ترکیب اضافه «مدیریت کتابخانه» از دو اصطلاح «مدیریت» و «کتابخانه» تشکیل شده است که هیچ کدام به تنهایی مفهوم «مدیریت کتابخانه» را دربر ندارد. اما به کار بردن این اصطلاح مرکب به صورت دو کلمه بسیط از نظر قواعد اصطلاحنامه‌ای بستگی به خطمشی اولیه‌ای دارد که تدوین‌کنندگان اصطلاحنامه مشخص می‌کنند.

از نظر دستور خط نیز قواعدی بر اصطلاحنامه حاکم است که براساس آن قواعد املائی توصیفگرها مشخص می‌شود. در اینجا به طور اختصار بعضی از این قواعد بیان می‌شود.

در صورتی که علامت جمع «ها» صورت مفرد کلمه را گنگ می‌کند بهتر است جدا نوشته شود. کلمه مرکبی که در حالت ترکیب با يك پسوند ساخته شده است و اتصال آن دو صورت ظاهر کلمه را نامانوس می‌کند باید جدا نوشته شده باشد. برای مثال: «زیست‌شناسی» که بهتر است به صورت «زیست‌شناسی» نوشته شود. پیشوند به کلمات مرکب نمی‌چسبد.

نمایش اصطلاحنامه

نمایش اصطلاحات در اصطلاحنامه از نظر ترکیب و از نظر شکل حائز اهمیت می‌باشد. اصطلاحنامه در هنگام نمایش باید تمام روابط بین اصطلاحات را نمایان سازد. این روابط ممکن است فقط يك رابطه باشد. مانند:

تعلیم و تربیت

در اين روش اصطلاحات مدخل به صورت الفبايي قرار مي‌گيرد و ارجاعات در زير آنها نمايش داده مي‌شود. هر ارجاعي نيز به نوبه خود در ردیف الفبايي قرار مي‌گيرد.

۲. نظام يافته:

در اين روش حوزه‌ها مشخص مي‌شوند و اصطلاحات همراه با روابط آنها در زير مربوطه قرار مي‌گيرد. اين نوع ترتيب بايد داراي يك نمايه الفبايي نيز باشد و ارتباط اين نمايه با بخش نظام يافته به طريقي مشخص شود تا دسترسي به اصطلاحات آسان بشود.

۳. نمايش ترسيمي:

اين نوع نمايش معمولاً همراه با يکي از دو روش بالا مي‌آيد و حالت مکمل را دارد. در اين روش توصيفگر و ارجاعات مرتبط با آن از طريق نشانه‌روها مشخص شده‌اند.

ويرايش اصطلاحنامه

اصطلاحنامه پاياني ندارد. اکتشافات و اختراعات جديد، تفاسير جديد و دوباره آنچه قبلاً شناخته شده، همپوشاني علوم همه و همه بيانگر اين است که اصطلاحات جديد متولد مي‌شوند و اين اصطلاحات بايد به اصطلاحنامه اضافه شوند، اصطلاحات موجود تغيير يابند و توضيح داده شوند و حتي حذف شوند. با توجه به اين موضوع اصطلاحنامه‌اي که به طور دوره‌اي مورد ويرايش قرار نگیرد يك اصطلاحنامه مرده است.

اصطلاحات در حالات زير مورد حڪ و اصلاح قرار مي‌گيرند.

- تعريف معني اصطلاح و دامنه آن
- اضافه شدن يادداشت توضيحي
- تبديل شدن به يك اصطلاح برگزيده
- نياز به حذف
- تغيير املاي اصطلاح
- هماهنگي با ويرايش قبلي

مديريت اصطلاحنامه

براي مديريت و نگهداري اصطلاحنامه شخص يا اشخاصي بايد مسئول باشند. اصطلاحنامه بعد از

بک آموزش و پرورش و يا ممکن است چندين رابطه باشد. مانند: اطلاع‌رساني

ا.ج. جمع‌اوري اطلاعات

سازماندهي

اشاعه اطلاعات

ا.و. توسعه

پژوهش

در بعضي از اصطلاحنامه‌ها براي نشان دادن ارجاعات يك توصيفگر از نقطه استفاده مي‌کنند. براي مثال:

.. جانداران

. گياهان

گل‌ها

. گل سرخ

. گل ناز

بعضي از اصطلاحنامه‌ها براي نشان دادن اصطلاحات نابرگزيده روش‌هاي خاصي را به کار مي‌برند. براي مثال ممکن است اصطلاح نابرگزيده را با حروف کج بنويسند و يا از حروف کم‌رنگ‌تر استفاده کنند. که اين يك روش مکمل است براي نمايش اصطلاحات.

معمولاً در نمايش اصطلاحات ارجاعات به اندازه چند فاصله به داخل برده مي‌شوند. پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي

براي مثال:

خوردگي

ا.ع. شيمي

ا.خ. خوردگي در آب دريا

ا.و. جلوگیری از خوردگي

از نظر ترتيبی اصطلاحات به سه طريق در اصطلاحنامه قرار مي‌گيرند. بعضي از اصطلاحنامه‌ها ممکن است فقط يکي از اين سه حالت را داشته باشد و بعضي ديگر ممکن است هر سه روش را اعمال کند. اين سه روش عبارت است از:

۱. الفبايي ۲. نظام يافته ۳. ترسيمي

۱. الفبايي:

ایجاد نیاز به مدیریت دارد. مدیر اصطلاحنامه دارای وظایفی به شرح زیر می‌باشد:	برای رسیدن به اهداف اصطلاحنامه دو اصل باید بر آن حاکم باشد.
۱. دوره ویرایش اصطلاحنامه را مشخص کند.	۱. ویرایش اصطلاحنامه در طول زمان
۲. هماهنگ نمودن طراحی اصطلاحنامه با اصول نوین اطلاع‌رسانی	۲. مدیریت تخصصی
۳. رد یا قبول اصطلاحات جدید پیشنهادی نمایه‌سازان	ویرایش دائم اصطلاحنامه تازگی و همگامی آن را با دانش روز بیمه می‌کند و مدیریت تخصصی و صحیح هماهنگی اصطلاحنامه و طراحی آن را با اصول نوین اطلاع‌رسانی تحقق می‌بخشد.
۴. انتشار تکمله‌ها در دوره‌های زمانی مشخص	در زیر یک صفحه از یک اصطلاحنامه چاپ نشده نمایش داده شده است:
۵. درهم کردن متن اصلی و تکمله‌ها در پایان هر سال	Aircraft safty امنیت هواپیما
۶. تقسیم اصطلاحات با ارجاعات طولانی به اصطلاحات اختصار	Bk ایمنی هواپیما
مدیریت تخصصی و خوب اصطلاحنامه این اطمینان را ایجاد می‌کند که اصطلاحنامه در طول زمان متناسب و قابل استفاده باشد. همچنین مدیریت صحیح اصطلاحنامه باعث تداوم ساختار ساده اصطلاحنامه بوده و برای نمایه‌ساز و کاوشگر رضایتمند و قابل استفاده می‌باشد.	Dilatometry انبساط سنجی بج دیلاکومتری ا.و. اندازه گیری
	Measurement اندازه گیری ا.خ. اندازه‌گیری پیوسته ا.و. آشکارسازی انبساط‌سنجی شمارش
نتیجه‌گیری	
اصطلاحنامه مجموعه‌ای از سرعنوانهای موضوعی با ارتباطات سازماندهی شده است.	Airframes ایرفریم Bk بدنه هواپیما
اصطلاحنامه تسبیحی است زرین از واژه‌های انتخاب شده که به سه گروه از متخصصین کمک‌های شایانی می‌کند. اول به نمایه‌سازان برای سرعت و دقت در نمایه‌سازی مدارك و انتخاب سرعنوانهای موضوعی مناسب و صحیح. دوم به کاوشگران به منظور تدارك راهبرد صحیح و دقیق کاوش و دسترسی جامع و خاص به موضوع موردنظر. سوم به نویسندگان به منظور بیان دقیق‌تر پیامهای خود.	Airfoils ایرفویل Bk سطح مقطع بال 0012 Naca airfoil ایرفول ناکا ۰۰۱۲ Bk سطح مقطع بال ناکا ۰۰۱۲
اصطلاحنامه وظایف خود را با ایجاد روابط معنایی هم‌ارز، سلسله مراتبی و وابسته میان توصیفگرها، انجام می‌دهد.	Wings بال (هواپیماها) ا.ع. سطح مقطع بال ا.خ. بال‌های چرخان بال‌های خمیده ا.و. سازه هواپیما
رعایت قواعد دستوری و املائی نه تنها در تشکیل بودن و یکدستی اصطلاحنامه موثر است، بلکه دسترسی موضوعی را نیز تسهیل می‌کند.	Airfoils بالواره Bk سطح مقطع بال Rotary wings بال‌های چرخان

Potential	بک پتانسیل خوردگی	بج بالهاي گردان
	ا.ع. بال (هواپيماها)
Helicopter blades	پروانه بالگرد	گردنده
	ا.و. بالهاي چرخان	ا.و. پروانه دمى بالگرد
	پروانه دمى بالگرد	پروانه بالگرد
		پتانس خوردگی
		بج پتانسیل خوردگی آزاد
		پتانسیل مدار باز
		ا.و. خوردگی
		خوردگی
		الکتروشیمیایی
		پتانسیل خوردگی آزاد
	Corrosion potential	
	Freely Corrosion	

بي نوشتها:

- | | |
|--|--------------------------------|
| 1. Peter Mark Rojet | 15.Usage |
| 2. Thesaurus of English words and prases | 16.Breath |
| 3. Descriptor | 17.Disambiguation |
| 4. Preferred term | 18.Collocation |
| 5. Non-Preferred term | 19.Conciseness |
| 6. Scope note | 20.Internal Consisten |
| 7. Broader term | 21.External Consisten |
| 8. Narrower term | 22.Hierarrchical relationships |
| 9. Related term | 23.Genus/species |
| 10.Equivalence | 24.Whole/part |
| 11.Hierachical | 25.Instance |
| 12.Associative | 26.Polyhierarchical |
| 13.Synonyms | 27.Top term |
| 14.Quasi-Synonyms | 28.Homograph |

منابع

1. "Encyclopedia Britanica", V.10.P.140
2. Hass, Bella. (1998) "Thesaurus Design for Information Systems". In web site <http://www.allegrotechindexing.com> . NewYork: Americal Society of indexers.
3. Ibid
4. Milstead, Jessica L. (1998) "NISO Z39.19: Standard for Structure and Organization of Information Retrieval Thesauri". [n.p], In <http://www.calacademy-org>
5. Unesco. (1991) "Unesco IBE Education Thesaurus."-5th revised and enlarged ed.-paris: Unesco. pp.VI.
6. دستور خط فارسي، فرهنگستان زبان و ادب فارسي. ۱۳۸۱، ص ۳۸.